

تحلیل و بررسی نخستین آثار و شواهد زبان فارسی در چین: ردپایی از ایران پس از اسلام در چین معاصر

تهمینه بازدار^۱

چکیده

یکی از کانون‌های اصلی جاده ابریشم، به‌عنوان شاهراه ارتباطی شرق و غرب، سرزمین پهناور چین است. جاده ابریشم نه تنها راه مبادلات تجاری چین با سایر کشورها محسوب می‌شده، بلکه مهم‌تر از آن مسیر تبادلات فرهنگی بین‌افردی و اجتماعی نیز به‌شمار می‌رفته است که اساسی‌ترین ابزار چنین تبدالی، زبان و محصولات زبانی است. ایران از جمله کشورهای بزرگی است که بخش اعظم جاده ابریشم از آن عبور می‌کرده است؛ شرایط خاص ایران یعنی قرار گرفتن در بخش عمده جاده ابریشم و همسایگی با چین باعث گردیده تبادلات فرهنگی و زبانی میان این دو تمدن بزرگ بسیار گسترده شود. آثار به‌دست آمده و پژوهش‌های انجام شده مؤید این موضوع است که علاوه بر زبان سانسکریت، زبان فارسی تأثیرات عمیقی در فرهنگ چینی به‌ویژه در فرهنگ اقلیت قومی مسلمان این کشور به جا گذاشته که تأثیرات آن تا به امروز باقی است. برای همین، در پژوهش حاضر برآنیم تا اولین اسناد و نشانه‌هایی افت شده و باقی‌مانده مربوط به خط و زبان فارسی را در زبان چینی به‌ویژه در مورد نخستین مراحل آموزش زبان فارسی در این سرزمین بررسی و معرفی کنیم. واژه‌های فارسی موجود در زبان چینی، نخستین مدرسه ترجمه و اولین فرهنگ لغت فارسی-چینی «خویی-خویی» در چین، از جمله این اسناد به‌شمار می‌روند، در ادامه به تحلیل و بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: زبان فارسی، زبان چینی، وام واژه، فرهنگ لغت، مدرسه ترجمه

۱. استاد خارجی گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مطالعات زبان‌های خارجی پکن، چین،

tahminehbazdar@gamil.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹ / ۷ / ۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹ / ۱۰ / ۹

۱. مقدمه

مطالعات ایرانشناسی در چین طی چند دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران، استادان ایران‌شناس چینی قرار گرفته و به نتایج چشم‌گیری رسیده است. توجه و استقبال از این موضوع و نتایج ارزشمند آن در زمانی کوتاه از دو جنبه قابل بررسی است:

می‌توان گفت مسئله نخست که موجب روی آوردن به مطالعات ایرانشناسی گردیده، به ذات فرهنگ پارسی مربوط است؛ تمدن‌های باستانی بلانقطاع و پایدار در جهان انگشت شمار هستند، به عبارتی تمدن‌هایی که سلسله‌مند بودن آنها در طول تاریخ منقطع نشده و پیوسته تا به امروز ادامه داشته، اندک هستند. ایران و چین در زمره این دست تمدن‌های پایا به شمار می‌روند. برای یافتن سرچشمه تمدن پارسی نظرات و بحث‌های بسیار زیادی وجود دارد و بیان و اثبات آن به سادگی و در چند جمله کار ساده‌ای نیست، اما طبق برآوردهای نویسنده و تاریخ‌دان هندی، کوزامبی، که نشان می‌دهد در حدود دوهزار سال قبل از میلاد اقوام هند و آریایی هنوز از یکدیگر جدا نشده بودند و آریایی‌ها برای اولین بار، حدود سال ۱۷۵۰ قبل از میلاد وارد هند شدند، و «دوران ودایی» حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد است، می‌توان غایت فرهنگ باستانی پارسی را مشاهده کرد. نکته شایان توجه دیگر اینکه در قرن ششم قبل از میلاد، داریوش (۴۸۶ - ۵۲۱ ق م) امپراتوری هخامنشی را بنیاد نهاد که بخش اعظم جهان آن روز را زیر نفوذ خود قرار داد و تأثیر زیادی در تاریخ جهان داشته است. پس از ظهور اسلام، ایران این آیین جدید را پذیرفت. از آن روزگار به بعد خون تازه‌ای در رگ‌های فرهنگ کهن ایران زمین روان شد و این تمدن مانند تولد پروانه‌ای از پیله ابریشم، جان دوباره‌ای گرفت و درخشش و پیشرفت آن سرعت گرفت؛ حاصل این همگرایی، باتوجه به ریشه‌های عمیق این تمدن، دستاوردهای بزرگی در عرصه‌های مختلف فلسفی، پزشکی، هنر و... و معرفی چهره‌های بی‌مانندی چون ابن سینا، بیرونی، خوارزمی و شاعران نامداری چون فردوسی، سعدی و حافظ و مانند آن است که برجسته‌تريا همتراز با هومر، دانته، شکسپیر، سروانتس، گوته و دیگر شاعران نامدار جهان هستند. سهم جهانگردان پارسی و نوشته‌های آنها نیز در گسترش این فرهنگ در جهان بر همگان آشکار و مبرهن است.

دلیل دوم روی آوردن به مطالعات مرتبط با ایران، تبادلات گسترده فرهنگی و تأثیر فرهنگ ایران در چین است. چنانکه محقق آمریکایی، لافر، کتابی با عنوان سینو-ایرانیکا (۱۹۱۹) ضمن اذعان به پیوند صمیمانه فرهنگی ایران و چین، تأکید می‌کند در میان کشورهای چین که با چین ارتباط دارند، ایران جایگاه ویژه‌ای داشته است. اگرچه امروز کشور چین با ایران مرز جغرافیایی ندارد، همسایگی ایران با چین در درازای تاریخ و مبادلات گسترده علمی، فرهنگی و تجاری از طریق جاده ابریشم، چنان تأثیر شگرفی در پیوند این دو تمدن باقی گذاشته که گذشت روزگاران نه تنها آن را از میان نبرده، بلکه تحقیقات امروزی دانشمندان نشانه‌های استواری تبادلات فکری و فرهنگی را آشکارتر نموده است. طی صد سال اخیر، در استان سین کیانگ چین آثار و بقایای زیادی از خط‌های باستانی گوناگون از جمله تخاری، سغدی و غیره به صورت سکه، سنگ ترازو، کتیبه و... کشف شده است. علاوه بر آن، آثار زیادی به چشم می‌خورد که در اقصی نقاط سرزمین چین تأثیر فرهنگ ایرانیان را در این سرزمین پهناور نشان می‌دهد.

بر این اساس در این پژوهش به بررسی عوامل موثر فرهنگی سرزمین پارس به‌ویژه در حوزه خط و زبان فارسی بر تمدن چین پرداخته‌ایم و نمودهای تأثیر زبان فارسی، اولین آموزش‌های این زبان، آثار نخستین فرهنگ و لغت زبان فارسی و وام واژه‌های فارسی در زبان چینی و... را براساس یافته‌های محققان بررسی و تحلیل خواهیم کرد.

۲. تحلیل و بررسی پژوهش‌های زبان فارسی در چین

۲.۱ واژه‌ها و وام واژه‌ها

نگاهی به مطالعات و پژوهش‌های ایرانی در حوزه چین نشان می‌دهد اغلب این تحقیقات بر مطالعات زبانی تمرکز کرده‌اند یا دست‌کم یکی از موضوعات اصلی تحقیقات آنان زبان فارسی و قلمروهای مرتبط با آن از جمله واژگان فارسی در زبان چینی بوده است، مثلاً خوانگ شی جیان^۲ (۱۹۹۳: ۲۹) معتقد است «زبان فارسی از سرچشمه‌های اصلی وام‌واژه‌های موجود در زبان چینی است. حتی در زبان چینی امروزه نیز هنوز هم برخی از واژه‌های برگرفته از زبان فارسی به چشم می‌خورد».

لافر^۳ با تألیف کتاب سینو- ایرانیکا سهم بسزایی در مطالعه ارتباطات فرهنگی ایران و چین در طول تاریخ دارد. این کتاب ۱۳۵ بخش دارد که هر بخش مربوط به یکی از مشترکات فرهنگی این دو کشور است، که از آن جمله می‌توان به منسوجات، مواد معدنی، آهن آلات، سنگ‌های قیمتی، عنوان‌های پست‌ها و مقام‌ها و... اشاره کرد. وی در این کتاب به استخراج ۵۲ وام واژه ایرانی در اسناد باستانی چینی پرداخته است، اما می‌توان گفت که تعداد این واژه‌ها در واقع بیشتر از این تعداد بوده است و این امر در پژوهش‌های بعدی قابل استناد است. پس از لافر پژوهش‌های ایران‌شناسی و اکتشافات در متون و زبان‌های مرتبط با فارسی مثل فارسی میانه، سغدی و ختنی روز به روز بیشتر شد. برای مثال در سلسله تانگ، دو بخش کتاب مقدس بودایی‌ها که توسط بو کنگ^۴ به چینی ترجمه شده است، با عنوان «بودای آگاهی بزرگ» که یکی از چهار حقیقت شریف آیین بودایی به شمار می‌آید و «سوترای خیر و شر که توسط جاودانگی ذکر شد» که در آن در مورد صور فلکی دوازده‌گانه و تقویم کشاورزی صحبت شده است، روزهای هفته با تلفظ‌های زیر آورده شده که از فارسی میانه برگرفته شده است:

یکشنبه (معنای چینی: روز خورشید) yak shamba 曜森勿 Yaosenwu

دوشنبه (معنای چینی: روز ماه) du shamba 萎祸森勿 Louhuosenwu

سه شنبه (معنای چینی: روز آتش) si shamba 势森勿 Shisenwu

چهارشنبه (معنای چینی: روز آب) chaha:r shamba 掣森勿 Chesenwu

پنج‌شنبه (معنای چینی: روز چوب) panj shamba 本森勿 Bensenwu

جمعه (معنای چینی: روز فلز) sha:h shamba 数林勿 Shusenwu

شنبه (معنای چینی: روز خاک) haft shamba 翁森勿 Xisenwu

(خوانگ شی جیان، ۱۹۹۳: ۳۰-۲۹)

با گذشت زمان، در سلسله یوان واژه‌های بیشتری از فارسی به زبان چینی راه پیدا کرد. در آن زمان، زبان بین‌المللی بیشتر نقاط آسیا فارسی بود و مردم آسیای غربی و آسیای میانه به چین راه پیدا کرده بودند و امپراتوری یوان همزمان با ایلخانان در ایران روابط خوب و نزدیکی داشته است.

در زمان سلسله یوان که دوران حکومت مغول‌ها در چین است، سه خط کتابت رسمی در چین وجود داشت: خط مغولی؛ خط چینی و خط خویی خویی. نکته حائز

اهمیت آن است که آنچه در تاریخ خط خویی خویی نامیده می‌شود، در واقع همان خط فارسی است. لیو یینگ شنگ^(۲۰۰۸:۲) اشاره می‌کند که در زمان سلسله یوان با گسترش ارتباطات بین‌الملل چین با کشورهای اطراف، امپراتوری دستور ساخت مدرسه‌هایی را برای یادگیری زبان‌های خارجی و زبان‌های اقلیت‌های قومی چین و ترجمه داد و یکی از اصلی‌ترین مدرسه‌ها مربوط به زبان فارسی بود. او در اینجا یاد می‌کند که خط فارسی در واقع به نام خط خویی خویی معروف بود. البته واژه «خویی» در فرهنگ لغت زبان چینی به معنی «برگشتن» است. در «فرهنگ معاصر زبان چینی» ذیل مدخل این واژه آمده است که «استفاده از این واژه پس از فعل نشان دهنده این است که کسی یا چیزی از جایی دیگر به جای اصلی خود حرکت می‌کند». (۲۰۰۵: ۶۰۶) بنابراین، بر این گمانیم که چون مردمانی از سرزمین پارس دین اسلام را به این سرزمین بردند و باعث گرویدن بخشی از مردمان چین به دین اسلام شدند، واژه «خویی خویی» به مردمان مسلمان شده چین نسبت داده می‌شد که معنی «برگشته» دارد؛ یعنی کسی که از آیینی به آیین دیگر برگشته است. پس کم کم این اقلیت قومی «خویی خویی» نام گرفت و خط مورداستفاده آن‌ها مخصوصاً برای آموزش‌های دینی که خط فارسی بود «خط خویی خویی» نامیده می‌شد.

نکته دیگر این است که خویی خویی را دو گروه تشکیل می‌دادند، گروه اول همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد، چینیان که به‌طورکلی اهالی ای از آسیای مرکزی بودند که پارسی نبودند، اما مسلمان شده بودند و گروه بعدی پارس‌های مسلمان شده بودند. یکی از اسناد تاریخی چین کتاب «ضروریات تاریخ خوشنویسی»^۱ است که در سال ۱۳۷۶ میلادی توسط تائو زونگ ئی^۲ (حدود ۱۴۱۲ - ۱۳۲۹ م) چینی تألیف شده و نویسنده در اواخر سلسله یوان و اوایل سلسله مینگ می‌زیسته است. در این کتاب ۲۹ حرف الفبا برای خط خویی خویی ثبت شده است، که ۲۸ تای آن الفبای عربی و یک حرف از تلفیق لام و الف و با تلفظ «لا» به چشم می‌خورد. لیو یینگ شنگ^(۲۰۰۸:۲) حدس می‌زند که در آن زمان احتمالاً چهار حرف «گ»، «چ»، «پ» و «ژ» شکل نوشتاری پیدا نکرده بود و هنوز وارد خط نوشتاری فارسی نشده بود، که خود در اصل از خط عربی وام گرفته شده بود.

از اسناد تاریخی دیگر می‌توان به «مجموعه ضروریات زندگی»^۱ مربوط به سلسله یوان اشاره کرد. این مجموعه از ده فصل تشکیل شده است و نویسنده یا گردآورنده

این مجموعه شیونگ زونگ لی است. در فصل «خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها» بخشی با عنوان «خوراکی‌های خوبی خوبی» آمده و نام ۱۲ خوراکی آورده شده است که هشت‌تای آن‌ها اسم چینی دارند، اما چهارتای آن‌ها از فارسی گرفته شده‌اند، که از قرار زیر است:

نوعی شیرینی از بادام و سفیده تخم مرغ: *sukar-pira*: 设克儿疋刺 *Shekeerpira*

انواع رشته‌های نشاسته‌ای و آردی *tutma*: 秃秃麻失 *Tutumashi*

باقلا *gola:nj*: 古刺亦 *Gulayi*

سوپ جو غلیظ با شیر و گوشت *harisat/harissa*: 哈里撒 *Halisa*

البته یک واژه دیگر نیز با تلفظ *baerta* 八耳塔 وجود دارد که احتمالاً همان واژه فارسی *barda:na* به معنی نان کره‌ای است، اما مواد اولیه و طرز تهیه ثبت شده برای این خوراکی با آنچه در ایران و به زبان فارسی است متفاوت است. (خوانگ شی جیان، ۱۹۹۳: ۳۰)

با نگاهی به مثال‌هایی که ذکر شد، می‌بینیم که به هیچ‌کدام این واژه‌ها در کتاب لافر اشاره‌ای نشده است. این امر مبین آن است که وام واژه‌های بیشتری از فارسی در چینی وجود دارد. در سال ۱۹۹۱ در مرکز پژوهش‌های دانشگاه کلمبیا در «اطلس جامع ایران» ذیل عنوان «زبان و فرهنگ فارسی در چین» در قسمت «واژه‌های ایرانی موجود در منابع چینی» ۹۹ واژه جمع‌آوری شده است. این تعداد نیز بسیار کمتر از تعداد واقعی وام واژه‌ها می‌باشد؛ زیرا واژه‌هایی که پیشتر ذکر شد، مانند روزهای هفته، خوراکی‌ها و برخی از واژه‌های دیگر در آن به چشم نمی‌خورد. در سال ۱۹۸۴ در انتشارات «شانگهای سی شو» در فرهنگی با عنوان «فرهنگ وام واژه‌ها در زبان چینی» ۱۰۶ وام‌واژه ایرانی گردآوری شده است که این تعداد شامل اسامی اشخاص، مکان‌ها و سایر اسامی خاص نیست. به دلیل عدم وجود برخی از وام‌واژه‌ها احتمالاً این فرهنگ نیز کامل نیست؛ اما به سبب اینکه تا اواسط دهه هشتاد میلادی خلاصه‌ای از همه پژوهش‌ها را در خود دارد، می‌تواند به عنوان منبع خوبی مورد استفاده قرار بگیرد (خوانگ شی جیان، ۱۹۹۳: ۳۰).

خوانگ شی جیان (۱۹۹۳) در پژوهشی با بررسی وجود یا عدم وجود هر یک از این ۱۰۶ واژه در «فرهنگ لغات چینی معاصر» دریافت که تعداد ۷۰ تا از این وام واژه‌ها در

فرهنگ لغات چینی معاصر به چشم نمی‌خورد و تعداد ۳۶ تا از این وام واژه‌ها تا امروز در زبان چینی باقی مانده است و در طول سال‌ها به زبان چینی معاصر راه پیدا کرده است. البته شایان ذکر است که در زبان مسلمانان چین واژه‌های فارسی که تا امروز باقی مانده و استفاده می‌شود، بیش از این است. این ۳۶ واژه از قرار زیر است:

ردیف	پین یین واژه موجود در فرهنگ وام واژه های زبان چینی	پین یین واژه موجود در فرهنگ لغات چینی معاصر	تلفظ فارسی در دوران باستان	معنی فارسی
1	ahun	ahun	Akhund/ākhund	آخوند
2	anshiliu	anshiliu	Arsak	ارسک، نوعی درخت میوه
3	Yanmole	Yougan	Amola	امولا، نوعی میوه
4	Badanxing	Badaxing/pianta o	Bādam	زردآلو، بادام
5	baluzi	meishizisuan	Ballu/ballut	بلوط
6	Bingtie	bingtie	Spain	نوعی آهن خالص
7	Bodie	Caomian	Pambak dip	پنبه، نوعی گیاه
8	A	wuhuaguo	Hezir/ezir/aju/anjir	انجیر
9	Falang	falang	Fārang	زوارنگ، نوعی مواد اولیه برای ساختن نوعی صنایع دستی
10	Kelile	kezi	Halila	هلبله، نوعی گیاه
11	Huluo	Bengsha	Furak	نوعی ماسه
12	Huda	Huda	Khuda	خدا
13	Husui	Xiangcai	Koswi/goswi	گشنیز، نوعی

۴۸ تحلیل و بررسی نخستین آثار و شواهد زبان فارسی در چین: ردپایی از ایران پس از اسلام در چین معاصر

				سبزی معطر
14	Hupo	Hupo	Kahrupa:i	کهربا
15	huoshile	Maqianzi/ fanmubie	Kucla/kucula	نوعی داروی گیاهی
16	Junda	Jundacai	Gundar/gundur	کندور
17	Kuluma	Haizao/ yezao	Xurma	خرما
18	Mage	Mage	Magus	مجوس
19	Masidaji	Ruxian	Mastaki	مصطکی، نوعی گیاه
20	Mocha	Meishizisuan	Mādu	معنی نامشخص است.
21	Mei	Fanshiliushu	Murd	نوعی درخت انار در فارسی میانه
22	Meishizi	Meishizisuan	Maxzak/muzak	موزاک، نوعی داروی گیاهی
23	Musu	Musu	Buksuk	نوعی علوفه مخصوص دام
24	Naimazi	Naimazi	Nama:z	نماز
25	Naiqi	Shuixian	Nargi	نرگس
26	nusha	nusha	Nushādir	نشادر
27	Putao	Putao	Budāva/bātaka	نوعی میوه
28	Qidun	Qidunguo	Zeitun	زیتون
29	Ruoliu	Anshiliu	(a)nārak	انار
30	Sha	Shahuang	Shāh	شاه
31	Shier	Shizi	Ser/sir	شیر، نوعی حیوان درنده
32	Shizi	Shizi	Ser/sir	شیر، نوعی حیوان درنده

33	Suna	Suna	Surnā/zurna	سورنا، نوعی آلت موسیقی
34	tulin	Anshiliu	Dulim/dulima/durima	انار
35	Yeximi	molihua	Yāsmir	گل یاسمن
36	Zumulu	Zumulu	Zumurrud	زمرد

جدول شماره ۱: ۳۶ وام واژه فارسی راه یافته از دوران باستان تا زمان معاصر در زبان چینی

همان‌طور که در جدول قابل مشاهده است، از این ۳۶ واژه، ۲۳‌تای آن‌ها عیناً با تلفظ قبلی خود هنوز وجود دارند و ۱۳‌تای آن‌ها در تلفظ تغییر کرده‌اند. هر چند با مشاهده این تغییرات نمی‌توان قوانین و علل مشخصی را در مورد چرایی این تغییرات ارائه داد، می‌توان این تغییرات را به‌طور کلی در سه دسته جای داد: ۱. اختصار سازی: برای مثال واژه *kelile* تبدیل به واژه *kezi* شده است. دو هجای *lile* از واژه قبلی حذف و به جای آن از هجای *zi* استفاده شده است. این هجا در زبان چینی برگرفته از نوعی عادت زبانی است که با اضافه کردن به برخی از کلمات ماهیت اسمی به آن‌ها می‌دهد. ۲. افزودن یک واژه چینی به واژه قبلی که این واژه چینی متناظر معنایی وام واژه است: برای مثال واژه *huang* در زبان چینی به معنی پادشاه است و با افزودن آن به واژه *sha*، واژه *shahuang* در همان معنی و در ساختاری ترکیبی از واژه فارسی با واژه چینی ساخته شده است. ۳. استفاده از واژه‌ای با تلفظی یکسان ولی شکل نوشتاری متفاوت به جای شکل قبلی آن در بخشی از واژه، به بیانی دیگر استفاده از نویسه تصویرنگار به جای نویسه قبلی که فقط آوانگاری واژه فارسی به چینی بود و از نظر شکل واژه ارتباط معنایی با واژه نداشت. مانند *狮子 (shizi)* به جای *师子 (shizi)* در معنای حیوان شیر، بخش رادیکالی که در سمت چپ واژه *狮* اضافه شده است در زبان چینی در واژه‌هایی به کار می‌رود که مربوط به حیوانات است این رادیکال تصویر نگاری است با مفهوم پنجه. یا به‌عنوان مثالی دیگر می‌توان به استفاده از واژه *唢呐 (suona)* به جای سایر شکل‌های نوشتاری آن در معنای ساز سورنا اشاره کرد. این تغییر شکل نوشتاری در واقع شکل واژه را از شکل وام‌واژه خارجی به شکل واژه چینی تغییر داده است و به این ترتیب وام واژه کاملاً به یک واژه چینی تبدیل شده است، چرا که این کار آن را به نویسه‌ای تصویرنگار تبدیل کرده است. این پدیده، در مواردی

باعث می‌شده که یک فرهنگ خارجی یا مهاجم در گذر زمان از دید چینیان تبدیل به فرهنگ بومی چینی شود. چه بسا امروز چینیان سورنا را از خودشان می‌دانند و حس نوستالژی عمیقی نسبت به آن دارند و چه بسا در فیلم‌های ساخته شده در مورد چین باستان، نواختن سورنا برای چینی‌ها احساس نواختن نی و سنتور را برای ایرانیان دارد، حال آنکه ساز سورنا سازی است که خود از مملکت پارس به سرزمین چین رسیده است. این پدیده که بخشی از رفتار شناختی چینیان را در پذیرش و بومی سازی فرهنگ های مهاجم نشان می‌دهد، «پدیده سورنا» نامیده می‌شود (خوانگ شی جیان: ۳۶: ۱۹۹۳).

از بررسی این ۳۶ واژه به چند نکته پی می‌بریم: اول، سیستم سیاسی آن دوره که نظامی با یک پادشاه بود، دوم، با طبقه‌بندی معنایی واژه‌ها می‌بینیم که در میان آن‌ها یک واژه سیاسی (شاه)، چهار واژه دینی، یک واژه در حوزه موسیقی نام ساز و سی واژه در حوزه جهان مادی از جمله سنگ‌ها، حیوانات و گیاهان به چشم می‌خورد. پس می‌توان دریافت که برای چینی‌های باستان، فرهنگ خارجی یا مهاجم در حوزه دنیای مادی و مسائل عینی بیش از مفاهیم انتزاعی و اعتقادی یا سیاسی و دینی قابل پذیرش بوده است.

۲.۲ اولین مدرسه ترجمه و آموزش زبان فارسی در چین و نخستین فرهنگ لغت فارسی - چینی و ارزش آن در پژوهش‌های زبانی و فرهنگی در هر دو کشور ایران و چین

چین، نه تنها همیشه در صدد برقراری ارتباطات دوستانه با سایر کشورها بوده است، بلکه کشوری با اقلیت‌های قومی فراوان نیز به حساب می‌آید. این امر حاکی از نیاز بسیار این کشور برای آموزش و ترجمه زبان‌های خارجی و زبان‌های اقلیت‌های قومی این کشور است. در دوران سلسله‌هان غربی، زمانی که سفیری با نام جانگ چی‌آن (۱۱۴-۱۶۴ ق م)، برای اولین بار به سرزمین‌های خارج از چین پا گذاشت که در غرب این سرزمین واقع شده بودند، در واقع موجب باز شدن و رونق جاده ابریشم شد. او در طول عمر خود دو بار سفیر چین در کشورهای اطراف شد که هر بار موجب گسترش بیش از پیش روابط خارجی شد. اگرچه نخستین مرحله‌های گسترش زبان

فارسی را در مقام آمدو شد تجاری از طریق فلات ایران و از طریق ماوراءالنهر، در امتداد جاده ابریشم، نمی‌توان بر اساس متون مشخص کرد (فراگتر، ۳۴: ۱۳۹۴)، زیرا شواهدی موجود است که تأثیرات فرهنگ پارسی حتی به دوران سلسله چین مصادف با هخامنشیان را می‌توان در طرح‌ها و تزیینات لباس و جایگاه و تزیینات قصر پادشاه چین شی خوانگ مشاهده کرد، اما اسناد مستدلی در دست نیست که بتوان آن را اثبات کرد؛ با این حال بعدها و در طول تاریخ می‌توان شواهدی دال بر این امر یافت. پس از سفرهای سفیر چین، جانگ چی‌ان به کشورهای غربی چین، بسیاری از مردمان پارس و پارت به سرزمین‌های تحت امپراطوری سلسله هان آمدند و همراه خود دین‌های، بودایی، زرتشتی، مانوی و یهودی را به این سرزمین آوردند. این مردمان برای حفظ فرهنگ و رسوم خود در میان خود شروع به آموزش و گسترش خط و زبان فارسی و پارتی کردند. بعدها در اوایل قرن بیستم میلادی، در منطقه تورفان چین طی چهار عملیات کشف آثار باستانی، تعداد قابل توجهی از متون دین مانوی به زبان‌های فارسی میانه، پارتی و سغدی کشف شد. طبق اسناد تقریباً از قرن هشتم میلادی گروهی از ایرانیان در منطقه تورفان در شمال غرب چین سکنی گزیدند و در نهایت با قوم اویغور که ترکان چین هستند، در هم آمیختند و یکی شدند. این موارد، گواه اهمیت سرزمین پارس و خط و زبان فارسی در طول تاریخ برای امپراطوری چین است.

در تاریخ چین به‌ویژه در سلسله مینگ که روابط تجاری و سیاسی چین با کشورهای اطراف پیشرفت چشم‌گیری داشت، برای حفظ و گسترش ارتباطات تجاری و سیاسی، فرستادن نامه به پادشاهان سایر کشورها جهت مناسبت‌های سیاسی، تجاری و ادای احترام و ترجمه نامه‌ها و اسناد دریافتی از سایر نقاط و خارج از کشور، نیاز به تعداد زیادی مترجم برای زبان‌های گوناگون وجود داشت. به‌منظور تربیت این مترجمان، سلسله مینگ در سال ۱۴۰۷ میلادی در شهر ننجینگ چین اولین مدرسه زبان‌های خارجی را با نام «سی ئی گوئن»^{۱۳} تأسیس کرد. این مدرسه اولین مؤسسه رسمی در تاریخ چین برای آموزش و پرورش استعدادهای زبان‌های خارجی با هدف ترجمه به شمار می‌رفت. این مدرسه در ابتدا هشت دانشکده مخصوص هشت زبان خارجی و اقلیت‌های قومی داشت که شامل زبان‌های تاتار، بربر، نوجن، خوبی (فارسی)، تورفان، بی ئی، هند و میانمار بود.

در سال ۱۵۱۱ میلادی زبان سرزمین لانا و در سال ۱۵۷۹ زبان تایلندی (پادشاهی لانا بعدها با تایلند ادغام شد). نیز به آنها افزوده شد و تعدادشان به ده دانشکده رسید (لیو یینگ شنگ، ۳: ۲۰۰۸)، این زبان‌ها همگی آسیایی به شمار می‌آمدند.

در این مدرسه برای اولین بار، فرهنگ لغت چینی-مغولی تالیف شد. و کم‌کم هر دانشکده به منظور آموزش و ترجمه زبان مورد نظر، فرهنگ لغت خود را تالیف کرد، این فرهنگ‌ها «خوائی یو» به معنی «ترجمان چینی به خارجی» نامیده می‌شدند. در آن زمان، چینی‌ها هنوز از ترتیب الفبایی واژه‌ها اطلاعی نداشتند، پس تمام این فرهنگ‌ها بر اساس انواع واژه‌ها طبقه بندی و باب‌بندی شده بودند، مثلاً باب نجوم، باب جغرافیا، باب وسایل و... این فرهنگ‌ها عموماً ابتدا در یک بخش با عنوان «زه زی» به معنی واژه‌های گوناگون» تالیف شدند و بعدها برای تکمیل نقوص آنها یک بخش دیگر به عنوان «اضافات» به آنها افزوده شد. فرهنگ لغت چینی-فارسی این مجموعه در دو بخش با عنوان‌های «واژه‌های گوناگون خوبی خوبی» و «ترجمان خوبی خوبی» در نسخ گوناگون ولی انگشت شمار به عنوان منابع ارزشمند باستانی در نقاطی از جهان نگهداری می‌شوند. در حال حاضر یک نسخه در کتابخانه ملی در برلین، دو نسخه در ژاپن، یکی در کتابخانه مطالعات شرق و دیگری در کتابخانه کابینه دولت ژاپن، دو نسخه در پاریس، یکی در کتابخانه ملی و دیگری در مرکز انجمن آسیایی پاریس، یک نسخه در کتابخانه بزرگ بریتانیا در لندن و دو نسخه در کتابخانه پکن نگهداری می‌شود. هر یک از این نسخه‌ها با هم شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. لیو یینگ شنگ در کتابی که در سال ۲۰۰۸ منتشر کرد با انتشار این نسخ خطی اطلاعات جامعی را در مورد این نسخ در اختیار ما قرار می‌دهد. در ادامه مقاله با مطالعه این نسخ خطی که در کتاب مذکور آورده شده است به بررسی آنها می‌پردازیم. در مورد چگونگی تالیف این فرهنگ‌ها می‌توان گفت، از آنجایی که زبان چینی زبانی هجایی است و خط آن تصویرنگار یا اندیشه نگار است در برخورد با خط الفبایی، سیستم جالبی شکل می‌گیرد که حائز اهمیت است. فرهنگ خوبی خوبی که در سلسله مینگ تالیف شده است با هدف ترجمه کتبی، به صورت آوانگاری به زبان چینی تالیف شده است؛ به این صورت که واژه فارسی به خط فارسی آورده شده است و در زیر آن معنی چینی آن، کنار معنی چینی آوانویسی به زبان لاتین، زیر آن معنی لاتین، پایین آن تلفظ واژه فارسی با هجاهای چینی آوانگاری شده است و در آخر پایین هر هجا تلفظ آن

هجای چینی دوباره به لاتین آوانگاری شده است. از آنجا که سیستم آوانگاری پین‌یین چینی، که در واقع یک سیستم آوانگاری با قواعد خاص خود با حروف لاتین می‌باشد، بسیار جدید و مربوط به چند دهه اخیر است، این دقت عمل و استفاده از زبان لاتین در آن دوره به‌عنوان زبان میانجی و حتی آوانگاری چینی واژه‌های فارسی، منبع غنی و جامعی را در اختیار زبان‌شناسان قرار می‌دهد تا با مطالعه و بررسی این آوانگاری‌های زبان‌های میانجی به نظام آوایی زبان چینی در سلسله مینگ و چینگ پی ببرند. امروزه پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام گرفته است و از این فرهنگ لغت باستانی به‌منظور پژوهش ماهیتی خود زبان چینی بهره برده شده است.

نکته حائز اهمیت دیگر مربوط به تألیف نسخه دیگری از این فرهنگ در اواخر سلسله مینگ و سلسله چینگ می‌باشد؛ فرهنگ لغتی که تفاوت اصلی آن با فرهنگ قبلی در هدف و کارایی آن بود. فرهنگ قبلی به‌منظور ترجمه‌های کتبی، از زبان میانجی لاتین برای آوانگاری فارسی و چینی استفاده کرده بود ولی در فرهنگ لغت جدید با هدف ترجمه شفاهی به منظور سهولت و سرعت استفاده، تنها آوانگاری واژه‌های فارسی به زبان چینی و معنی چینی آورده شده بود و خط فارسی حذف شده بود، تفاوت دیگر آن در ترتیب و طبقه بندی واژه‌ها بود. نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، این است که در همه نسخه‌ها از هجاهای چینی همسان برای یک واژه و یک آوا استفاده نشده است، برای مثال آوانگاری چینی برای اولین واژه موجود در فرهنگ لغت یعنی «آسمان» در یک نسخه به صورت (阿思马恩) a si ma en و در نسخه دیگر به صورت (阿思忙) a si mang آوانگاری شده است و گاهی نیز آواهای یکسان در نسخه‌های مختلف با نویسه‌های متفاوت چینی نوشته شده است، مثلاً واژه شش در یک نسخه به صورت (舍石) she shi و در نسخه دیگر به صورت (舍失) she shi آوانگاری شده است، مشاهده می‌کنیم که هجای دوم هر دو به صورت "shi" آوانگاری شده است، ولی شکل نوشتاری چینی آن‌ها با یکدیگر متفاوت است. نسخه دارای خط فارسی با عنوان «سی ئی گوئن بن»^۱ با مفهوم نسخه حاوی خط خارجی و نسخه بدون خط فارسی با عنوان «خوئی تونگ گوئن بن»^۲ با مفهوم نسخه بدون خط خارجی نامیده شده است.

نکته دیگر در مورد فرهنگ لغت‌ها این است که غیر از بخش «واژه‌های گوناگون» و «اضافات»، بخشی دیگر نیز با عنوان «منابع اصلی» وجود داشت. این بخش در واقع

شامل آن متون اصلی و ترجمه‌هایی بود که مربوط به امور خارجه کشور می‌شد؛ یعنی نامه‌ها و اسناد اصلی رد و بدل شده بین کشورها و....

اولین نسخه‌های «سی ئی گوئن بن» یا نسخه‌های حاوی خط فارسی، فقط بخش «واژه‌های گوناگون» را داشتند، اما نسخه‌های بعدی شامل بخش‌های «اضافات» و «منابع اصلی» نیز بوده است. آنچه امروزه در کتابخانه پکن موجود است، دو جلد «واژه‌های گوناگون خویی خویی» و «ترجمان خویی خویی» نیز هر دو، نسخه‌های «سی ئی گوئن بن» محسوب می‌شوند، زیرا حاوی خط فارسی هستند؛ اما بخش‌های اضافات و منابع اصلی در آنها موجود نیست. این دو فرهنگ اطلاعات بسیار خوبی در مورد شرایط زبان قوم خویی خویی چین در قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی، ایران‌شناسی، روابط خارجی چین با کشورهای غربی‌اش، تاریخ اسلام در چین، فرهنگ‌های بیگانه و مهاجم در چین باستان، نظام آوایی زبان چینی در دوره سلسله مینگ، وام‌واژه‌های وارد شده در زبان چینی در سلسله یوان، آموزه‌های دینی و زبانی مسلمانان چین و... در اختیار ما قرار می‌دهند. نسخه اولیه که تنها شامل بخش «واژه‌های گوناگون» می‌باشد، شامل ۷۷۷ واژه و در قسمت‌های «اضافات» و «منابع اصلی» در نسخه‌های بعدی ۲۳۳ واژه افزوده شده است، که در مجموع این فرهنگ لغت ۱۰۱۰ واژه را در خود جای داده است. نسخه «خوئی تونگ گوئن بن» فرهنگ بدون خط فارسی نیز تنها بخش «واژه‌های گوناگون» را دارد، در مجموع ۶۷۴ واژه دارد که از این تعداد ۳۷۱ واژه با «سی ئی گوئن بن» یکسان است و ۳۰۳ واژه در «سی ئی گوئن بن» به چشم نمی‌خورد. از برآورد هر دو نوع فرهنگ حاوی خط فارسی «سی ئی گوئن بن» و بدون خط فارسی «خوئی تونگ گوئن بن» می‌توان در مجموع به ۱۳۱۳ واژه دست پیدا کرد. در دو نسخه فرهنگ لغت موجود در کتابخانه پکن بیشتر ترجمه واژه به چشم می‌خورد، اما تعداد اندکی ترجمه اصطلاح نیز وجود دارد. در میان واژه‌ها، وام‌واژه‌های عربی، ترکی و چینی هم وجود دارد که تعداد وام‌واژه‌های عربی بسیار زیاد است. البته شایان ذکر است که در آن زمان لهجه فارسی بیشتر به لهجه دری و تاجیکی نزدیک بوده است.

۷۱۷ واژه در دو نسخه «واژگان گوناگون خویی خویی» و «ترجمان خویی خویی»

حاوی خط فارسی در ۱۸ باب به صورت زیر طبقه‌بندی شده است:

باب نجوم (۴۰ واژه)

باب جغرافیا (۵۶ واژه)

باب زمان‌ها و فصول (۴۱ واژه)

باب اشخاص (۶۵ واژه)

باب مقامات (۹۸ واژه)

باب اندام‌ها و بدن (۵۰ واژه)

باب قصر (۲۵ واژه)

باب حیوانات (۴۹ واژه)

باب گیاهان (۴۲ واژه)

باب وسایل (۵۰ واژه)

باب پوشاک (۲۶ واژه)

باب خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها (۳۳ واژه)

باب جواهرات (۱۸ واژه)

باب صداها و رنگ‌ها (۱۷ واژه)

باب ادبیات و تاریخ (۱۷ واژه)

باب مرزها و حدود (۲۴ واژه)

باب اعداد (۱۸ واژه)

باب مشترکات (۱۰۸ واژه)

بعدها ۲۳۳ واژه در بخش «اضافات» به صورت زیر به این واژه‌ها افزوده شد:

باب نجوم (۷ واژه)

باب جغرافیا (۱۴ واژه)

باب زمان‌ها و فصول (۷ واژه)

باب اشخاص (۸ واژه)

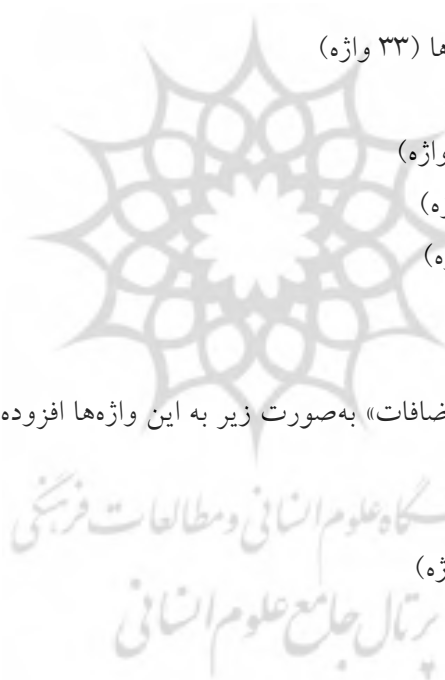
باب مقامات (۱۰ واژه)

باب اندام‌ها و بدن (۹ واژه)

باب قصر (۶ واژه)

باب حیوانات (۱۲ واژه)

باب گیاهان (۱۱ واژه)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

باب وسایل (۱۱ واژه)

باب پوشاک (۹ واژه)

باب خوراکی ها و آشامیدنی ها (۶ واژه)

باب جواهرات (۱۰ واژه)

به باب‌های ۱۴. باب صداها و رنگ‌ها، ۱۵. باب ادبیات و تاریخ و ۱۶. باب مرزها و حدود چیزی اضافه نشد.

باب اعداد (۱۲ واژه)

باب مشترکات (۱۰۱ واژه)

در نسخه بدون خط فارسی غیر از باب مرزها و حدود، همه باب‌ها وجود دارد و تنها در ترتیب باب بندی‌ها کمی جابه‌جایی صورت گرفته است و گاهی در نام‌گذاری باب‌ها از کلمات مترادف با عناوین نسخ حاوی خط فارسی استفاده شده است. نویسندگان نسخ بدون خط فارسی افرادی بودند که اصلاً به خط و زبان فارسی و عربی آشنا نبودند، این را کاملاً می‌توان از دستخط و اشتباهات املائی آنان متوجه شد. برای مثال در نسخه‌ای بدون خط فارسی به نام «ای شی بن»، چهل و نهمین واژه در باب جغرافیا، واژه دریا است، آوانگاری این واژه به چینی 得儿呀 (pinyin: de er ya) می‌باشد، اما در این نسخه به صورت 得儿子 (pinyin: de er zi) آوانگاری شده است، می‌توان دریافت که در اینجا (pinyin: ya) که احتمالاً شکل آوانگاری چینی آخرین هجای واژه دریا در یکی از نسخه‌ها بوده است به علت شباهت ظاهری به اشتباه به صورت 子 (pinyin: zi) به کار برده شده است و این اشتباه تنها از کسی برمی‌آید که شناختی به زبان و خط فارسی نداشته باشد، زیرا اگر نگارنده با تلفظ واژه دریا آشنا بود، احتمال این قبیل اشتباهات به صفر می‌رسید. در ادامه چند مثال از نسخه «سی ئی گوئی بن» می‌آوریم:

در اولین باب، باب نجوم، اولین واژه فارسی، واژه آسمان (āsimān یا āsmān)، معنی چینی 天 (pinyin: tian)؛ آوانگاری چینی 阿思马恩 (pinyin: a si ma en) در یکی از نسخه‌ها به صورت 阿思忙 (pinyin: a si mang) نیز آوانگاری شده است.

در باب زمان‌ها و فصول، واژه سال (sāl)، معنی چینی: 年 (pinyin: nian)،
آوانگاری چینی: 撒勒 (pinyin: sa le). در نسخه «خوبی تونگ گوئن بن»
به صورت 撒力 (pinyin: sa li) آوانگاری شده است و برایش معنی سن هم آورده
شده است.

در باب ادبیات و تاریخ، واژه کاغذ (kāghiz یا kāghaz)، معنی چینی:
纸 (pinyin: zhi)، آوانگاری چینی: 噶额子 (pinyin: ga e zi). در نسخه
«خوبی تونگ گوئن بن» در باب وسایل آورده شده است و به همین صورت آوانگاری
شده است. در برخی از نسخه‌های دیگر به صورت 噶阿子 (ga a zi) نیز آوانگاری
شده است.

۳. نتیجه‌گیری

با مطالعه آثار و شواهدی از خط و زبان فارسی در سرزمین چین، از جمله وام
واژه‌های ایرانی که برخی از آن‌ها هنوز هم در زبان چینی معیار باقی مانده است و
کاربرد دارد، همچنین نخستین مدرسه عالی ترجمه زبان خوبیی (فارسی) و اولین
فرهنگ لغت فارسی-چینی، می‌توان به ارتباط متقابل چین و ایران در طول سالیان دراز
پی برد. هرچند وام واژه‌های باقی مانده از سلسله یوان و مدرسه ترجمه و اولین فرهنگ
لغت به سلسله مینگ و اوایل سلسله چینگ برمی‌گردد، اما شواهدی دال بر قدیمی‌تر
بودن این ارتباطات وجود دارد، به‌طور مثال تزیینات تخت و لباس پادشاه چین
شی‌خوانگ همزمان با سلسله هخامنشیان در ایران گواه بر این امر است.

با بررسی فرهنگ وام‌واژه‌های زبان چینی دریافتیم که ۱۰۶ وام‌واژه ایرانی در زبان
چینی وجود دارد. همه این واژه‌ها ریشه فارسی دارند و شامل اسامی تعدادی گیاه،
حیوان، روزهای هفته، نام‌های مذهبی و... می‌شود. اما از این ۱۰۶ واژه ۷۰ وام‌واژه،
دیگر کاربردی در زبان چینی معاصر ندارند، ولی ۳۶ وام‌واژه به زبان چینی معاصر راه
پیدا کرده است. البته برخی از آن‌ها از نظر تلفظ و گاهی از نظر معنی تغییراتی کرده‌اند.
نکته دیگر اینکه اولین مدرسه ترجمه زبان‌های خارجی در چین در سلسله مینگ در
آغاز با هشت دانشکده زبان‌های مختلف آسیایی و اقلیت‌های قومی کار خود را شروع
کرد و بعدها به ده دانشکده رسید. دانشکده زبان خوبیی خویی که همان دانشکده زبان

فارسی بود با هدف آموزش و ترجمه اسناد زبان فارسی شکل گرفت و نخستین فرهنگ لغت فارسی-چینی ماحصل علمی این دانشکده بود. امروز هشت نسخه از این فرهنگ لغت باستانی، دو نسخه در چین و در کتابخانه پکن و شش نسخه دیگر در فرانسه و ژاپن و آلمان و انگلستان نگهداری می‌شود. این نسخه‌ها باهم شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند. برای مثال به سبب بیگانه بودن چینی‌ها با سیستم زبان‌های الفبایی، این فرهنگ‌ها بر اساس نوع و ماهیت واژه‌ها در باب‌های نجوم، جغرافیا، ادبیات و تاریخ و... طبقه‌بندی شده است و برای آوانگاری واژه‌های فارسی از سیستم هجایی چینی کمک گرفته شده است. در نسخ مختلف گاه انتخاب هجاها یا ترتیب باب‌ها و یا جایگاه واژه‌ها در باب‌ها متفاوت بود. حتی ممکن بود خط فارسی در برخی نسخه‌ها با توجه به هدف ترجمه شفاهی یا کتبی، کاملاً حذف شود. این فرهنگ‌ها اطلاعات بسیار خوبی درباره شرایط زبان قوم خویی چین در قرن ۱۳ و ۱۴ میلادی، ایران‌شناسی، روابط خارجی چین با کشورهای غربی‌اش، تاریخ اسلام در چین، فرهنگ‌های بیگانه و مهاجم در چین باستان، نظام آوایی زبان چینی در دوره سلسله مینگ، وام واژه‌های واردشده در زبان چینی در سلسله یوان، آموزه‌های دینی و زبانی مسلمانان چین و... در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند.

همه این آثار و شواهد گواهانی هستند که نشان می‌دهند زبان و خط فارسی نه تنها برای پارسیان بلکه برای تمام ساکنان آسیا، حتی غیر مسلمانان، به‌عنوان عامل هویتی محسوب می‌شد. می‌توان گفت زبان فارسی با ویژگی تصریفی‌اش نه تنها قابلیت فوق‌العاده‌ای در انطباق با سایر زبان‌های تصریفی دارد، بلکه به‌سبب هسته‌ای بودن جایگاه سرزمین پارس در دوران باستان نقش خوبی را در ورود به کشور چین و حتی ورود به زبان هجایی چینی ایفا کرده است. این امر بیانگر آن است که نه تنها ماهیت زبان فارسی، بلکه جایگاه سرزمین پارس به‌عنوان قطب مهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، خاصیت بین‌المللی شدن و فراگیر شدن این زبان را در طول اعصار فراهم آورده است.

پی‌نوشت‌ها

¹ 回回

² 黄时鉴

³Laufer

⁴不空

⁵文殊师利菩萨

⁶诸仙所说吉凶时日善恶宿曜经

⁷刘迎胜

⁸书史会要

⁹陶宗仪

1 居家必用事类全集 0

1 熊宗立 1

1 张骞 2

1 四夷馆 3

1 华夷译语 4

1 四夷馆本 5

1 会同馆本 6

کتاب نامہ

فراگنر، برت (۱۳۹۴). فارسی زبانی قلمرو، هویت و رابطہ زبانی در تاریخ آسیا. سعید فیروزآبادی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

Laufer, Berthold (1967). Sino-Iranica: Chinese Contributions to the History of Civilization In Ancient Iran. Beijing: Ch'eng-Wen Publishing Company.

[美]劳费尔 (1964), 《中国伊朗编》, 林筠因译。北京: 商务印书馆。

熊宗立 (1986), 《居家必用事类全集》。北京: 书目文献出版社。

黄时鉴 (1993), 现代汉语中的伊朗语借词初探一兼从一个侧面看中国文化心理, 叶奕良主编《伊朗学在中国论文集》: 29-38 页。北京: 北京大学出版社。

黄时鉴 (1998), 元代四体铭文铜权的考释 ——认识读波斯文铭文为主, 叶奕良主编《伊朗学在中国论文集》: 41-47 页。北京: 北京大学出版社。

刘迎胜 (2002), 回族与其他一些西北穆斯林民族文字形成史初探 — 从回回字到“小经”文字, 《回族研究》第 45 期: 5-13 页。宁夏: 宁夏新闻出版局。

中国社会科学院语言研究所词典编辑室 (2005), 《现代汉语词典》, 第五版, 北京: 商务印书馆。

刘迎胜 (2008), 《《回回馆杂字》与《回回馆译语》研究》。北京: 中国人民大学出版社。

۶۰ تحلیل و بررسی نخستین آثار و شواهد زبان فارسی در چین: ردپایی از ایران پس از اسلام در چین معاصر

陶宗仪、朱谋堉（2019），《书史会要续书史会要》。浙江：浙江人民美术出版社。

